

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۱۲۰ دعای بیستم

جلسه ۳۹۹ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۳/۱۰/۱۰



## فهرست

- درخواست حفاظت رزق از اتلاف
- یکی از بزرگترین جلوه‌های ناشکری اسراف است
- معنای اسراف و تبذیر
- اتلاف بر اثر امور خارج از اختیاری
- اتلاف بر اثر ابتلائات و امتحان الهی
- اتلاف بر اثر عقوبت
- اتلاف بر اساس اختیار افراد
- درخواست برکت برای دارایی‌ها
- کلیدواژه برکت در قرآن کریم
- اتصال به عالم ربوبی، از طریق شیوه زندگی مؤمنانه
- بهره‌مندی از برکات فراوان، با داشتن ایمان و تقوا
- تقوا؛ ایمان جاری در زیست فردی و اجتماعی
- عوامل برکت‌زا و برکت‌کش
- سفره‌دار برکت در این عالم، محمد و آل محمد (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌اجمعین)
- بررسی تحولات منطقه
- طراحی آمریکایی - صهیونیستی در سوریه

متنفر است. اسراف را هم دو محور معنا کردیم؛ یک معنای عام و یکی هم معنای خاص توضیح دادیم. معنای خاصش عبارت بود از زیاده‌روی در بهره‌مندی از نعمت‌ها، ولو آن چیزی هم که در اختیار هست یک مال حلالی باشد، غذای حلالی باشد، نوشیدنی حلالی باشد، وقتی از حد می‌گذرد و زیاده‌روی می‌شود می‌شود اسراف.

### درخواست حفاظت رزق از اتلاف

و اما جمله بعدی فرمودند «وَ حَصَّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ» خدایا رزق من را از تلف شدن، از بین رفتن و نابود شدن، رزق من را از نابودی و تلف شدن حفظ کن «وَ حَصَّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ». خدای متعال، خدای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
رد الله

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ امْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ، وَ حَصَّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ، وَ وَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبِرِّ كَيْ فِيهِ، وَ اصْبِ بِي سَبِيلَ الْهُدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا اُنْفِقُ مِنْهُ.»<sup>۱</sup>

مطلب اولی که در این قطعه از دعای نورانی مکارم بعد از صلوات بر محمد و آل محمد مطرح شد، از خداوند تبارک و تعالی خواستیم که ما را از ابتلاء به اسراف حفظ کند.

«وَ امْنَعْنِي مِنَ السَّرْفِ» مفصل جلسه گذشته در این مورد صحبت کردیم که خدای متعال از اسراف و از مسرفین متنفر است، از کسانی که مبتلای به اسراف هستند ۱ فرازی از دعای بیستم صحیفه مبارکه سجادیه

می‌شود، هم شامل بهره‌های را، تقسیمی او را قرار داده است. طبق قاعده‌ای هم مفصل در نوبت دیگری محضرتان عرض کردیم که «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»<sup>۲</sup> این رزق وقتی سهم شخصی به او تعلق گرفت، مورد عنایت حضرت حق تبارک و تعالی قرار گرفته است، حالا باید هم شکر کند؛ شکر زبانی، هم شکر قلبی داشته باشد، هم شکر عملی داشته باشد تا آنچه که رزق اوست برای او حفظ بشود و بعد هم بتواند از او نصیب خودش را برای ادامه حیات، برای ادامه نشاط داشته باشد. چون انسان باید هم زنده باشد هم زندگی کند. پس این با رزق ممکن است. رزق هم به معنای فراخ خودش، هم شامل بهره‌های مادی

می‌شود، هم شامل بهره‌های معنوی می‌شود. کلمه رزق خیلی کلمه گسترده‌ای است. پس این با شکر رزق حفاظت می‌شود. وقتی حال شما در برابر بهره‌ای که خدای متعال نصیب تو می‌کند، وقتی حالت تو حالت شکر باشد، این شکر هم آن رزق را حفظ می‌کند، هم آن رزق را گسترش می‌دهد. این قاعده‌اش است. بنابراین خروج از قاعده شکر یعنی ابتلاء به اتلاف در رزق، این هم نقطه مقابلش است. یعنی وقتی که از شکر فاصله بگیرد، گرفتار کفران بشود، در برابر رزقی که نعمت خدای متعال است و متوجه شخص شده است، وقتی شخص مبتلا بشود به کفران، ناسپاسی، عملاً رزق خودش را در معرض تلف و اتلاف قرار داده است. این، معنایش این

از تلف و از نابودی حفظ بشود، این یکی از حفاظت‌هایش این است که من مبتلا به اسراف نشوم، چون وقتی شخص به اسراف گرفتار می‌شود، اسراف خروج از قاعده شکر است، یعنی وقتی شما در بهره‌مندی از یک نعمت حد لازم را رعایت نمی‌کنید و زیاده‌روی می‌کنید، نخواسته عملاً مبتلا شدید به اسراف، و اسراف یعنی در واقع رفتار ناسپاسانه در برابر نعمت است. وقتی شما رفتار ناسپاسانه داشته باشید، ناشکری کنید، عملاً رزق خودتان را در معرض تلف قرار دادید. البته یکی از اقسام خود اتلاف اسراف است، یک جلوه پیشرفته‌اش هم می‌شود تذییر که فرمود: «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»<sup>۳</sup> یعنی آن جا

است. بنابراین معنای خاص «وَحَصَّنَ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ» یعنی اجعلنی من الشاکرین. یعنی بخواهد ترجمه بشود معنایش این می‌شود. خدایا من را در برابر رزقی که به من کرامت کردی از شاکرین قرار بده، چون من اگر شاکر بشوم آنچه که به من روزی کردی روزی من حفاظت می‌شود، نه فقط حفاظت می‌شود، بلکه برکت هم پیدا می‌کند.

### یکی از بزرگترین جلوه‌های ناشکری اسراف است

بدین ترتیب یکی از بزرگترین جلوه‌های ناشکری اسراف است که در جمله قبلی بود. این «وَأَمْنَعِنِي مِنَ السَّرْفِ» که گفتیم، با جمله دوم ارتباط دارد، می‌فرماید: «وَحَصَّنَ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ». این که رزق من

سفره‌ای هم که می‌اندازید از راه حلال تهیه شده است. این جا اگر زیاده‌روی کردید می‌شود اسراف. پس فی‌ما بینگی است، اما زیاده‌روی است. زیاده از حد بخورد، زیاده از حد بنوشد، زیاده از حد بپوشد، و هکذا نمونه‌های دیگرش. این می‌شود اسراف.

اما تبذیر چیست؟ تبذیر این است که شما آن نعمت را در جایی که شایسته نیست استفاده کنید؛ آن می‌شود تبذیر. یعنی در راه مثلاً حرام، این یعنی دارد نابود می‌کند. مثلاً چیزی را که خدای متعال روزی او کرده دارد در مسیری بکار می‌برد که آن مسیر مسیری است که خدای متعال نمی‌پسندد، یا برای او اصلاً شایسته نیست، در این زمینه بخواهد هزینه کند. اسم آن می‌شود تبذیر. تبذیر هم از این جهت است

فرمود خدای متعال مسرفین را دوست ندارد «لایحب المسرفین»، در این جا فرمود «إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ». ما دو کلیدواژه داریم؛ یک کلیدواژه اسراف است، دیگری تبذیر است.

### معنای اسراف و تبذیر

اسراف وقتی است که شما در آنچه که روزی‌تان شده است، در مسیری که دارید استفاده می‌کنید هم مسیر درستی است، مثلاً دارید یک ولیمه می‌دهید، یعنی دارید کار خوبی انجام می‌دهید، مسیرش درست است، دارید مثلاً یک میهمانی می‌دهید، یا دارید لباس استفاده می‌کنید، دارید غذا میل می‌کنید، آن چیزی هم که دارید می‌خورید حلال است،

## اتلاف بر اثر امور خارج از اختیار

یک جمله هم این جا می‌شود گفت؛ اتلاف گاهی بر اثر امور خارج از اختیار است، یک سری چیزهایی پیش می‌آید که در زندگی این دنیا هست. ما زندگی‌مان در این دنیا در واقع در فراز و نشیب‌های زیست این جهانی است، این دنیا این چنین است، قبض و بسط دارد، یک جا شما به دست می‌آوری، یک جا از دست می‌دهی، یک جا سالم است، یک جا بیمار است، یک جا ورشکسته است، یک جا سود کرده است. طبع دنیا این گونه است. طبع دنیا این است که یک روز سیل است، یک روز زلزله است، یک روز ورشکستی است، شما تصادف نکردی با کسی ولی کسی به شما می‌زند، شما مشکل نداشتی ولی یک سرقتی

که مثل این که شما آن چیزی را که خدای متعال به تو داده را دارید همین‌طور دور می‌ریزید، مثل کسی که بذر می‌پاشد پخش می‌کند، نه بذری که می‌خواهد در آن نما باشد، همین جور خود این ریخت و پاش، ریختن و پاشیدن و این‌ها، خودش هم اتلاف است، و عملاً آن چیزی را که چه بسا به زحمت هم به دست آورده باشد حالا دارد با دست خودش دارد نابودش می‌کند. البته آن بحث‌های فنی مفصل‌تری هم دارد که ما اکنون در مقام آن نیستیم. غرضم این جمله است که فرمود «وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ». قاعده‌اش را خدمت‌تان عرض کردم.



خدای نخواستہ اتفاق می‌افتد. گاهی امور از این قبیل است، این‌ها خارج از اختیار شخص است، یعنی شخص خودش اختیاری ندارد. حالا زلزله آمد چه کار کنیم، سیل آمده است دیگر. وقتی در یک شهری خدای نخواستہ سیل یا زلزله بیاید، اموال بسیاری در آن جا تلف می‌شود، چنانچه که آدم‌های زیادی هم ممکن است آن جا از بین بروند. خسارت‌هایی که وارد می‌شود، این‌ها چیزهایی است که در اختیار خود شخص نیست.

خارج از اختیار شما صورت می‌گیرد، یا از قبیل ابتلاء است، یا از قبیل عقوبت است. این دو فرض دارد. اگر یک چنین بلایی پیش آمد، یک وقت امتحان است، شخص آدم مؤمن، متدین، حلال‌خور، اهل رعایت، عادل، بعد می‌بینید در این زلزله‌ای که آمده، در این سیلی که آمده، اموال این بیچاره هم این وسط از بین رفت، ماشین‌اش را از دست داد، ماشین‌اش را سیل برداشت برد، گاهی اتفاقات این چنینی است. بنابراین این‌ها از قبیل ابتلاء است.

## اتلاف بر اثر ابتلائات و امتحان الهی

اما قرآن کریم و روایات به ما قاعده می‌دهند. آن قاعده‌ای که به ما می‌دهند این است، می‌گویند این چیزهایی که

## اتلاف بر اثر عقوبت

عقوبت است، مخصوصاً برای ظالمین، کسانی که اهل ستم هستند. منتها این بلا گاهی به شکل عمومی آمده است، به شکل فراگیر آمده است. آن کسانی که سالم زندگی کردند این جا مبتلا می‌شوند، برای آن‌ها ابتلاء است. ابتلاء یعنی ترفیع درجه است، یعنی درجات معنوی‌شان را رشد می‌دهد. ابتلاء است یعنی بار گناهان‌شان را سبک می‌کند، از این قبیل است. یک مصیبتی پیش آمده که به رزق‌شان خورده، به زندگی‌شان، به مال‌شان خورده است، تلف شده ولی برای آن‌ها می‌شود ابتلاء. ولی برای یک عده دیگر نه، عقوبت است، اجری در برابرش ندارند، دارند مجازات می‌شوند به خاطر ستمگری، به خاطر معصیت‌کاری و امثال این‌ها.

اما گاهی از قبیل عقوبت است؛ «فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ»<sup>۱</sup>؛ جای می‌گوید وقتی برای شما یک قصه‌ای پیش می‌آید، یک مصیبتی پیش می‌آید، این به خاطر این است که خودت این کار را کردی؛ گناهای، ظلمی، ستمی، بالاخره در رفتار شخص وجود داشته است که حالا این چنین دارد عقوبت می‌شود. گاهی آنچه که اتفاق می‌افتد عمومی است، فراگیر است. مثلاً اهالی یک شهری را می‌بینید، کل‌شان را؛ صالح و طالح و مؤمن و کافر و همه را با همدیگر بالاخره گرفتار کرده است. آن جا برای خوبان، برای مؤمنین ابتلاء است، برای آن فسقه و فجره و کفره و امثال این‌ها عقوبت است. گاهی همین جهان



## اتلاف بر اساس اختیار افراد

اما یک بخشی است که نه، اختیاری است. کسی که خمس نمی‌دهد مالش را گذاشته در معرض تلف، کسی که زکات به او تعلق می‌گیرد زکات مالش را نمی‌دهد، مالش را گذاشته در معرض تلف. یعنی خودش با دست خودش رزق خودش را برده در معرض تلف قرار داده است. حالا این را شما همین‌طور ادامه بدهید؛ کسی که اسراف می‌کند، کسی که تبذیر می‌کند، کسی که مخصوصاً تعدی به اموال مردم می‌کند، به نفوس مردم می‌کند، این تلف برای آن‌ها عقوبت است. وقتی شما می‌گویید «حَصَّنَ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ» در این معنای دوم. در معنای اول می‌گویید خدایا من را محل ابتلاء قرار نده. دعا

این «حَصَّنَ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ» به بخش غیراختیاری برمی‌گردد که خدایا رزق من را از تلف حفظ کن. نمونه‌های عجیب و غریبی هم گاهی هست، مثلاً در یک شهری زلزله یا سیل آمده است، این را ما با چشم دیدیم. مثلاً خانه همسایه‌ها تخریب شده ولی خانه ایشان سالم است. نه این که خیال کنید حالا خیلی هم محکم ساخته بوده، نه تفاوتی نداشته، ولی خانه ایشان آن وسط مانده بود. یا سیل آمده آن کناری‌هایش را برده ولی این حفظ شده است. می‌خواهم بگویم این «حَصَّنَ» که می‌گوید رزق من را از تلف شدن حفظ کن، شامل این امور هم می‌شود، دعا است دیگر، می‌گوید خدایا رزق من را از نابودی و تلف شدن حفظ کن.

ما را شامل می‌شود. مثلاً در یک روایت دارد که تلف اتفاق نمی‌افتد مگر به ترک زکات، یعنی جامعه وقتی به او زکات تعلق می‌گیرد، زکاتش را، زکات واجب مالی‌اش را وقتی پرداخت نمی‌کند، این مالش را گذاشته در معرض تلف، بدین صورت است. پس این مطالب هم به ما گفته شده است.

جمله بعدی می‌رود بالاتر، ببینید اول گفت: «وَأَمْنَعِنِي مِنَ السَّرْفِ» یعنی من را از اسراف که یکی از زشت‌ترین رفتارهایی است که ممکن است یک انسانی در ارتباط با نعمت‌های الهی داشته باشد من را حفظ کن «وَأَمْنَعِنِي مِنَ السَّرْفِ» این مطلب اول. بعد می‌گویید «حَصَّنَ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ» توسعه می‌دهید، وسیع‌تر است. می‌گویید خدایا رزق

است، تمنا است. این معنایش در آن نوع اول این است. اما معنایش در گروه دوم چیست؟ معنایش در گروه دوم همان است که گفتیم؛ خدایا من را جزء شاکرین قرار بده، من را جزء متعین خودت و اولیاء خودت قرار بده، من را جزء خمس بده‌ها، جزء زکات بده‌ها، جزء کسانی که اهل انفاق هستند، بخیل نیستند، من را جزء این‌ها قرار بده، من را جزء عادلین قرار بده، جزء منصفین قرار بده، «اجعلنی من الشاکرین، من العادلین، من المنصفین» پس معنایش این می‌شود. پس این هم کلمه «حَصَّنَ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ». هم به آن معنای بلایای سماوی و ارضی و امثال این‌ها، هم به معنای «کسبت ایدیکم» که کارهای خود ما؛ ناشکری ما، بی‌دقتی

که شما با آن‌ها آشنا هستید. یعنی همین که می‌گوییم فراوان شدن و گسترش پیدا کردن، زیاد شدن «وَوَفَّرَ مَلَکَتِی» یعنی دارایی من، آنچه که من مالک آن هستم و در اختیار من هست، این را با برکت فراوان کن. برکتی که در آن می‌گذاری، مال من و دارایی‌های من را فراوان کن، این هم یک درخواست است. در واقع می‌شود گفت شما این جا از خدای متعال، حالا بعد از عبور از خطر اسراف و از خطر تلف، حالا صحبت تو یک چیز دیگری است، می‌گویی آن چیزی که دارم در آن اسراف نکنم، یک؛ تلف هم نشود با توضیحی که گفتیم، دو؛ حالا می‌گوییم خدایا به آن برکت بده، به مال من، به دارایی‌های من برکت بده. برکت می‌شود در واقع خیر

من را هم از تلف شدن حفظ کن. به معنایی که گفتیم، معنای آن خیلی وسیع‌تر شد.

### درخواست برکت برای دارایی‌ها

حالا می‌گویند یک درخواست اضافه دارم، درخواست اضافه‌ات چیست؟ می‌گویند «وَوَفَّرَ مَلَکَتِی بِالْبَرَكَةِ فِیْهِ» این می‌شود تقاضای سوم. خواهش می‌کنم دقت کنید این چنینش چقدر دقیق است، چقدر حساب شده است. مطلب سوم درخواست برکت است. کلمه «ملکتی» در فارسی بخواهیم ترجمه کنیم می‌شود دارایی‌های من، آنچه که من دارم. می‌گویند خدایا دارایی‌های من را با برکت فراوان کن، این تعبیر قشنگی است. «وَفَّرَ» توفیر، وفور این‌ها را، کلماتی است

هر جا که باشم «وَأَوْصَانِي  
بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ  
حَيًّا» تا من هستم خدای  
متعالم به من در باره نماز و  
زکات سفارش کرده است.  
خیلی جالب است، حالا غرضم  
این کلمه «مبارکاً» می‌باشد «وَأَوْصَانِي  
بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ  
حَيًّا» خدای متعال  
من را مبارک قرار داده است.

استحضار دارید جناب عیسی  
بن مریم (علی نبینا و آله و علیه السلام)

وجودش برکت، فکرش  
برکت، بیانش برکت، عملش  
برکت، دستش برکت، دعایش  
برکت است. بعد امام صادق  
(علیه السلام) فرمودند آن که  
می‌گوید «وَأَوْصَانِي  
بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ  
حَيًّا» یعنی وجود من را پرسود قرار  
داده است. بیمار است حضرت  
دعا می‌کنند، حتی مرده  
است دعا می‌کنند حیاتش  
به او برمی‌گردد. چون برکت

آیه ۳۱ سوره مبارکه مریم ۶

مستقر بادوام، وقتی در یک  
چیزی خیر هست، و این خیر  
در آن مستقر است و دوام پیدا  
می‌کند، به این می‌گویند  
برکت دارد. خیلی کلیدواژه  
فوق‌العاده‌ای است. ریشه‌اش  
هم کاملاً قرآنی است.

### کلیدواژه برکت در قرآن کریم

در قرآن کریم یک چند نمونه  
خیلی جالب داریم. ببینید  
اولیاء خدا چه می‌خواستند،  
مثلاً حضرت عیسی بن مریم  
(علی نبینا و آله و علیه السلام)، ایشان در آن  
آیه کریمه می‌گوید «وَأَوْصَانِي  
بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ  
حَيًّا»<sup>۵</sup> «جعلنی مبارکاً»  
می‌گوید خدای متعال من را  
مبارک قرار داده است. یعنی  
وجودش می‌شود یک وجود  
مبارک «مُبارَكًا أَيَّنَ مَا كُنْتُ»

آیه ۳۱ سوره مبارکه مریم ۵

حضرت نوح را بخوانید. از هوایما دارید پیاده می‌شوید، از کشتی دارید پیاده می‌شوید، از ماشین پیاده می‌شوید فرقی نمی‌کند. وقتی دارید پیاده می‌شوید بگویید «رَبِّ أَنْزَلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» این فرود آمدن و مستقر شدن، مستقر شدن در این مکان، در این شهر، در این موقعیت، فرود آمد مبارکی باشد، یعنی قرین برکت باشد. خیلی دعای زیبایی است. چقدر جالب است، واقعاً زیست مؤمنانه خیلی زیست قشنگی است. یعنی این سبک زندگی اسلامی و ایمانی، مؤمنانه، چقدر دلپذیر است. می‌گوید وقتی نشستی در مرکب خواست حرکت کند بگو «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ»\*

است، وجود، وجودِ پربرکتی است. این یک مثال است که ما در قرآن کریم داریم. یک نمونه دیگر در سوره مبارکه مؤمنون است. در سوره مؤمنون در ماجرای حضرت نوح (علی نبینا و آله و علیه السلام) است. می‌گوید «رَبِّ أَنْزَلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ»<sup>۷</sup> گفت ما را از این کشتی که بالاخره مشهور است به کشتی نوح، از این پیاده کن، متها یک پیاده شدنی که قرین برکت است.

### اتصال به عالم ربوبی، از طریق شیوه زندگی مؤمنانه

«منزلاً مبارکاً» که می‌گویند خوب است شما در مسافرت‌ها جایی که می‌خواهید از مرکب پیاده بشوید، همین دعای

آیه ۲۹ سوره مبارکه مؤمنون

راجِعُونَ»<sup>۹</sup>، «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ»<sup>۱۰</sup> سیر همه کارها به سوی اوست. ولی یک جایی می‌بینید حرکت محسوس می‌شود، آن وقتی است که شما سوار مرکب شدی بعد می‌گویی «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا»<sup>۱۱</sup> آن کسی منزّه است که این مرکب را مسخر من و ما قرار داد. حالا از هر جنسی باشد و طبق قاعده الهی است. این اراده خدای متعال، قواعد الهی، قانون الهی است که این کشتی روی آب مسخر انسان است برای سیر، این کشتی آسمانی، این هواپیما مسخر انسان است که بتواند روی ابرها آن جا سیر کند، پرواز کند. این‌ها همه‌اش طبق قواعد الهی است، طبق سنن و قواعد و قوانین حضرت حق

۹ آیه ۱۵۶ سوره مبارکه بقره

۱۰ آیه ۵۳ سوره مبارکه شورا

۱۱ آیات ۱۳ سوره مبارکه زخرف

وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ»<sup>۸</sup> می‌گوید من هر حرکتی دارم، هر سیری دارم، سیر به سوی اوست «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» گاهی انسان نشسته در خانه‌اش حواسش نیست که مسافر است. ولی وقتی در سفر قرار می‌گیری، وقتی آن هواپیما حرکت می‌کند، وقتی آن قطار حرکت می‌کند، وقتی آن اتوبوس حرکت می‌کند، آن اتومبیل حرکت می‌کند، وقتی حرکت می‌کند؛ حتی روی الاغی، اسبی، چیزی هم که سوار شدید، وقتی این حرکت می‌کند، احساس حرکت می‌کنید، یعنی دارید می‌روید به یک سمتی، می‌گوید حواست هست که کجا داری می‌روی؟ «وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» همه‌اش به سوی خدا است «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ» آیات ۱۳ و ۱۴ سوره مبارکه

۸ زخرف



آن شهر چقدر پربرکت شده است؛ خریدتان، فروشتان، معاشرتتان، سخنرانیتان، تدریستان، هر کاری که دارید می‌بینید جلوی او باز است، «أنت خیر المنزلین».

بنابراین این جا ما چه خواستیم؟ یک استقرار قرین برکت، «رَبِّ أَنْزَلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا» این را از تو می‌خواهم، و البته چه کسی غیر از تو می‌تواند چنین موقعیتی را برای من فراهم کند «وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ». بله این است. خیلی شیرین است.

این شیوه زندگی مؤمنانه همه قسمت‌هایش نشانه‌های اتصال به عالم ربوبی را دارد. می‌خواهد بخوابد توجه داشته باشد، دعایی، ذکری، قرآنی، آن چیزی که برای مثلاً قبل از خواب است، بیدار

تبارک و تعالی است. «سَخَّرَ لَنَا هَذَا» حالا چه از جنس دست‌ساز آن باشد مثل همین ماشین و هواپیما و کشتی، چه از جنس خداسازش باشد مثل اسب و شتر و الاغ و این چیزها. «سَخَّرَ لَنَا هَذَا» خیلی زیبا است، می‌گوید وقتی نشستی این طور بگو. حالا وقتی می‌خواهی پیاده بشوی، یعنی به مقصد رسیده‌ای، به شهری که می‌خواستی بروی، به مقصدی که می‌خواستی بروی، حالا چه مقصد نهایی چه مقصد بین راه، خواستی پیاده بشوی دوباره بگو «رَبِّ أَنْزَلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ»<sup>۱۲</sup> آن وقت شما می‌بینید مثلاً وارد آن شهر شدید، توجه هم داشتید، از خدای متعال هم خواستید، بعد می‌بینید وجودتان در

شما «بِسْمِ اللَّهِ» است، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». فرمود شما وضو می‌گیری بگو بسم الله. در یک روایت دارد که اگر کسی در وقت وضو گرفتن بسم الله نگفته باشد، این وضو آن روشنائی کافی را به نمازش نمی‌دهد. وارد نماز می‌شود، آن حظ وافر را نمی‌برد. پس آن توجه را نداشتی؟ وظیفه فقهیات را انجام دادی ولی دریافت معرفتی و عرفانی و معنویات نه، آن حظت را از وضو نگرفتی، این حظت را از این غسل نگرفتی. واقعاً خیلی شیرین است.

### بهره‌مندی از برکات فراوان، با داشتن ایمان و تقوا

در قرآن کریم کلمه برکت نیامده است، یعنی کلیدواژه برکت در قرآن نیست. اما در

می‌شود باز توجه به عالم الهی و به حضرت حق دارد. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»<sup>۱۳</sup> من مرده بودم، چون وقتی شما می‌خوابی کار شما تمام است. بعد می‌گوید الان دوباره حیات‌ام را به من برگرداندی. چقدر زیبا است؛ خوابش، بیداری‌اش، غذا می‌خواهد بخورد، سر سفره بنشیند، برخیزد، کاری را می‌خواهد شروع کند، می‌خواهد تمام کند، در مسیر اقدام است، همه‌اش جلوه‌های معنوی دارد، فرمود اتصال ربوبی دارد.

به یک عبارت دیگر رزق معنوی انسان مؤمن در همه کارهایش برای او تعبیه شده است، به هر مناسبتی، آن رزقش هست، قبل از این که شما آن کار را انجام بدهید رزق‌تان را گرفتید، رزق

قرآن کریم برکات هست. یک جا هم بیشتر در قرآن نیست. یک بار جمع کلمه برکت در قرآن آمده است «برکات»، آیه‌اش هم مشهور است، فرمود: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۱۴</sup> چه برکات آسمانی، چه برکات زمینی. مثلاً «بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ» می‌گویند یعنی آن برکات معنوی، ارض یعنی همین برکات مادی. یعنی دیگر آب‌شان، نان‌شان، دان‌شان، معیشت‌شان، زندگی‌شان به راه می‌شود، خدا وسعت می‌دهد. خیر وسیع در زندگی‌شان قرار می‌دهد. از زمین و آسمان بر آن‌ها برکت می‌بارد. بعضی‌ها هم خواستند بگویند مثلاً این «من السماء» شاید مثلاً باران و این چیزها باشد. البته منافاتی هم ندارد. «بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» ولی آن تعبیر یک مقدار فنی‌تر و

قرآن کریم برکات هست. یک جا هم بیشتر در قرآن نیست. یک بار جمع کلمه برکت در قرآن آمده است «برکات»، آیه‌اش هم مشهور است، فرمود: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۱۴</sup> چه برکات آسمانی، چه برکات زمینی. مثلاً «بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ» می‌گویند یعنی آن برکات معنوی، ارض یعنی همین برکات مادی. یعنی دیگر آب‌شان، نان‌شان، دان‌شان، معیشت‌شان، زندگی‌شان به راه می‌شود، خدا وسعت می‌دهد. خیر وسیع در زندگی‌شان قرار می‌دهد. از زمین و آسمان بر آن‌ها برکت می‌بارد. بعضی‌ها هم خواستند بگویند مثلاً این «من السماء» شاید مثلاً باران و این چیزها باشد. البته منافاتی هم ندارد. «بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» ولی آن تعبیر یک مقدار فنی‌تر و

نمی‌بارد، آسمان به معنای همین ظاهری‌اش نمی‌بارد، کارها گره می‌خورد، همه از هم دلخور هستند، دارند ولی خوشحال نیستند. گاهی دارایی زیاد هست ولی آرامشی نیست. این‌ها حواس‌شان نیست که دارند عقوبت می‌شوند. به خاطر این است که ایمان و تقوا در آن‌ها رخت بر بسته است. به خدا پناه می‌بریم. پس این جا یک بار در قرآن آن هم یا این تعبیر آمده است «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا»<sup>۱۷</sup>.

### تقوا؛ ایمان جاری در زیست فردی و اجتماعی

یادتان هم هست گفتیم تقوا از ایمان بالاتر است، آن جایی است که ایمان در کلام، در عمل، در معاشرت، در زندگی جریان پیدا می‌کند می‌شود

آیه ۹۶ سوره مبارکه اعراف ۱۷

دلنشین‌تر است. «مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» سماء چون نماد ملکوت است. یعنی آن برکات معنوی؛ علم، حکمت، مهربانی، عواطف، این‌ها در زندگی‌شان جاری می‌شود. آن‌ها هم چون بارش فیض الهی است، زمینی هم که دیگر همین‌طور کارشان روان می‌شود؛ در شغل‌شان، به درآمدشان خدای متعال برکت قرار می‌دهد. «بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ».

به خدا پناه می‌بریم، ادامه آیه ولی خطرناک است «وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۱۶</sup> آن‌هایی که آیات الهی را تکذیب می‌کنند. این «كذَّبُوا» نقطه مقابل آن ایمان و تقوا است. وقتی ایمان نباشد، وقتی تقوا نباشد، در آن شهر برکت نیست، درها بسته است. حتی می‌بینید آسمان هم دیگر

روز آن جا انسان می‌خواهد زندگی کند می‌خواهد دق کند؛ یک روز. بعد به خودت می‌گویی این‌ها چگونه این جا زندگی می‌کنند؟ این قدر یخ است، این قدر سرد است، این قدر بی‌احساس است، بی‌روح است. بله، آن وقت آن جاها است که انسان قدر خیلی از آنچه که دارد، موجودی‌هایی که دارد را تازه می‌فهمد که چه خبر است.

## عوامل برکت‌زا و برکت‌کش

### ۱. رفق و مدارا

عزیزان چه چیزهایی است که مخصوصاً در زندگی انسان برکت می‌آورد؟ از جمله ما از خدای متعال خواستیم به دارایی‌های ما برکت بدهد و با برکت آن را فراوانش کند. مواردی که در روایات

تقوا، که حریم‌های الهی در آن ملاحظه می‌شود، ایمان در عینیت زیست فردی و اجتماعی اسمش می‌شود تقوا، این است. «آمَنُوا وَ اتَّقُوا» این دو کنار هم است، «لَفَتَّحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۱۸</sup>.

شما برادر و خواهرهای عزیزم می‌بینید دنیا بی‌برکت شده است؛ به خاطر بی‌تقوایی، به خاطر بی‌ایمانی، به خاطر بی‌عفتی، به خاطر بی‌حیایی. چقدر از این کشورها هستند که به حسب ظاهر مثلاً درآمدشان و... فراوان است ولی برکت نیست، آرامش ندارند، آسایش ندارند، احساس ندارند، امید ندارند، بن‌بست است. خانواده ندارند، یخ است، عواطف ندارند، چسبندگی نیست. ما بعضی از این جوامع را تجربه کردیم، گاهی یک

بود، پیراهن‌شان کهنه شده بود، یک کسی دوازده درهم به پیامبر هدیه داد که حضرت لابد مثلاً پیراهنی تهیه کند. حضرت به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) مأموریت دادند، فرمودند عزیز جان برو برای من یک پیراهن بخر، برای من بگیر و بیاور. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) رفتند یک پیراهن خریدند دوازده درهم برداشتند آوردند. پیامبر عزیزمان که پیراهن را دید فرمودند علی جان این را نمی‌خواستم، این نه. می‌شود بروی این را پس بدهی؟ گفت آقا بروم بینم طرف قبول می‌کند. فرمودند اگر قبول کرد پس بده. حضرت امیر (علیه‌الصلاة والسلام) آمدند پیش آن فروشنده و فرمودند رسول الله (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه) این پیراهن را که من برای ایشان گرفتم نپسندیدند، شما پس

ما هست خیلی جالب است؛ فرمودند رفق و مدارا برکت می‌آورد. رفق؛ «إِنَّ فِي الرَّفْقِ الزِّيَادَةَ وَ الْبَرَكَهَ»<sup>۱۹</sup> رفق؛ نقطه مقابلش عنف است. رفق یعنی آسان‌گیری، مدارا، شیرین بودن، ملایمت، نرمش در ارتباطات، این می‌شود رفق. نقطه مقابلش عنف و سخت‌گیری و این چیزها است. برکت با رفق است، برکت با قناعت است که قبلاً راجع به آن صحبت کردیم.

## ۲. قناعت

در یک روایتی پیامبر عزیزمان فرمودند «الْقَنَاعَةُ بَرَكَهٌ» اصلاً قناعت مساوی است با برکت. پیامبر عزیزمان لباس‌شان کهنه شده بود، پیراهن‌شان، یا عبای‌شان، حالا هر چیزی که

می‌گیری؟ گفت بله. پس گرفت دوازده درهم را برگرداند. این یک اتفاق. البته می‌دانید مبحث اقاله خیلی مهم است. مثلاً طرف خرید کرده ولی حالا پشیمان شده، اگر بگویید نمی‌پذیریم و این حرف‌ها، خلاف آداب اسلامی است. قبول کنید، خیلی اجر دارد. مخصوصاً یک مؤمنی انسان این طور با او رفتار کند. خلاصه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) دوازده درهم را آوردند گذاشتند پیش پیغمبر گفتند آقا جان بفرمایید. حضرت گفتند حالا بیا با هم برویم خرید کنیم. آمدند بازار و ظاهراً حضرت یک پیراهن گرفتند چهار درهم، دوازده درهم را حضرت قبول نکردند. یک پیراهن گرفتند به چهار درهم. بعد اتفاق جالبی که افتاده این است، قبل از این که این چهار درهمی را بگیرند یک کنیزی را دیدند سر راه نشسته گریه می‌کند، خیلی ناراحت است، به او گفتند شما چرا این قدر ناراحت هستی؟ چرا نمی‌روی خانه؟ گفت من آمده بودم یک خریدی برای مولایم بکنم پولم را گم کردم، اگر من بروم خانه کتک خوردم. حضرت فرمود چقدر بود؟ گفت چهار درهم بود. حضرت گفتند بفرمایید این چهار درهم. چهار درهم را دادند به این کنیز. موقعی که حضرت برمی‌گشتند چهار درهم این جا دادند به کنیز، چهار درهم پیراهن خریدند، موقعی که دارند برمی‌گردند یک کسی را دیدند که لباسش وضع خرابی دارد، حضرت پیراهنی را که خریده بودند دادند به او، این هم جالب است، نگفتند صبر کن بروم

یک وقت شما کنیز را اذیت نکنید. آن آقا گفت خودم و هرچی دارم قربان شما، کنیز را هم آزاد کرد. این اتفاق هم آن جا افتاد. حضرت گفتند شما که در خانه بودید چرا جواب من را ندادید، در حالی که این قدر هم با محبت هستید؟ گفت آقا جان می خواستیم صدای تان را بشنویم. شما که سلام می کردی ما می خواستیم دوباره صدای شما را بشنویم. وقتی که برمی گشتند پیغمبر اکرم به امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفتند عجب دوازده درهم پربرکتی بود. هم برای من پیراهن شد، هم برای آن کسی که پیراهن نداشت پیراهن شد، هم کار آن کنیز را راه انداخت، اسباب آزادی او هم شد. اصلاً همه کارهای ما ردیف شد. سرّ آن در یک کلمه بود؛ قناعت بود. در حالی

برای تو بخرم، همان پیراهن را حضرت درآوردند، پیراهن کهنه خودشان را پوشیدند، این پیراهن نو را دادند به آن شخص، وقتی که داشتند می رفتند دیدند آن کنیز هنوز نشسته است، گفتند تو چرا خانه نمی روی، گفت من چون دیر کردم الان بروم خلاصه باز کتک را خوردم، ولو چهار درهم را ببرم ولی کتک را خوردم. حضرت فرمودند پس با هم برویم. چقدر این صحنه ها شیرین است. بعد حضرت همراه ایشان شدند، رفتند در خانه و در زدند، به اهل خانه سلام کردند، جواب نیامد. مثلاً گفتند السلام علیکم یا اهل بیت، دوباره کسی جواب نداد، بار سوم گفتند طرف جواب داد. آمد دم در و عرض ارادت کردند. گفتند این چنین شده است،



که می‌توانست به آن دوازده درهم اکتفا کند، گفت نه، چرا من دوازده درهم بپوشم، یک پیراهن چهار درهمی هم برای من کافی است. آن وقت خود وجود اقدسش این جمله را فرمودند «القناعة برکة».

پایین، آن بخوابد. ببینید این است. زندگی‌شان تمیز بود. واقعاً من یادم می‌آید برکت بود. زندگی جمع و جور، ولی برکت بود. کسب او برکت بود، بچه‌هایش، خانواده‌اش، همه‌اش در آن برکت بود. این مکیل فرمودند وزن کنید. اگر وزن بیاید خیلی فرق می‌کند بعضی از قضایا، ولی متأسفانه این کار را نمی‌کنند، هر روز می‌بینید این نان دائم آب می‌رود. قد آن کوچک می‌شود، رقمش اضافه می‌شود. به خدا پناه می‌بریم.

### ۳. دقت و رعایت در وزن

#### اجناس

یک نکته جالب هم هست، فرمودند در معاملات‌تان مواردی که از قبیل کیل است وقتی وزن کنید برکت دارد. این متأسفانه خیلی کم شده است. ما قدیم‌ها شاگرد بابا بزرگ‌مان (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) بودیم. مس، روحی، آلومینیم، هرچیزی بود همه را می‌گذاشت داخل ترازو، بعد به من می‌گفت جواد همیشه باید کفه سمت خریدار برود

### ۴. رعایت انصاف و عدالت

عدالت؛ اگر در یک جامعه‌ای مواجهه‌ها، مواجهه‌های منصفانه و عادلانه‌ای باشد برکت می‌آورد.

## ۵. پرداخت زکات و مواسات با مؤمنین

او ندهی این می شود قطع، ولو می گویی سلام علیکم، قربان شما، بفرمایید. این بخورد توی سرت، این دارد آن جا زندگی اش برباد می رود، سلام علیکم که نشد صله رحم، این جا اگر شما آن نیاز مالی اش را جبران نکنی قطع کردی، این قطع رحم است. بعضی ها خیال می کنند سلام و تعارف دیپلماسی، این مثلاً صله رحم است. برترین صله ها صله مالی است.

البته این تعبیر هم در یک روایتی هست جالب است، فرمودند برکت به کسی تعلق می گیرد که زکات بدهد، با مؤمنین مواسات کند، یعنی در آنچه که خدای متعال به او داده دیگران را هم که نیازمند هستند شریک کند و با فامیل هایش و نزدیکانش صله کند.

## ۶. صله رحم

### ۷. پرهیز از خیانت

مواردی که به طور خاص برکت را از بین می برد، یکی اش خیانت است. فرمود اگر در یک خانه ای خیانت بیاید برکت می رود. از یک در خیانت بیاید از آن در برکت رفته است، این هم جالب

«و وصل الأقربین» برترین جلوه صله رحم، صله مالی است. یعنی طرف نیاز مالی دارد، برادر است، خواهر است، عمه است، خاله است، در این موارد دست به جیب بشوید، آن می شود صله. مثلاً او نیاز دارد، تو داری ولی به

است. «تُرْفَعُ الْبِرْكَةُ مِنْ الْبَيْتِ إِذَا كَانَتْ فِيهِ الْخِيَانَةُ»<sup>۲۰</sup>.  
 اللهَ عَنْهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ»<sup>۲۱</sup> فرمود  
 خدای متعال برکت را از رزقش  
 می‌کند، کسی که اهل فریب  
 در معامله باشد، این هم هست.

#### ۸. پرهیز از بی‌عفتی‌ها

بعد به خدا پناه می‌بریم،  
 بی‌عفتی برکت را می‌برد. خمر،  
 شرب خمر، برکت را می‌برد.

#### ۹. اجتناب از سوگند در معامله

سوگند در معاملات، دیدید  
 بعضی‌ها مدام قسم می‌خورند.  
 پشت سر هم قسم می‌خورند،  
 قسم برکت را از معامله می‌برد.

#### ۱۰. فریبکاری در معامله

اگر در معامله انسان فریبکاری  
 کند برکت می‌رود، مثلاً دولا  
 پهنای می‌کنند یک کارهایی  
 می‌کنند، غش در معامله. «نَزَعَ

#### ۱۱. بدهنی و ناسزا گفتن

فحش، بدهنی، ناسزا گفتن،  
 این‌ها هم عجیب است، دارد  
 «نَزَعَ اللهُ عَنْهُ بَرَكَهَ رِزْقِهِ وَ  
 وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ وَ أَفْسَدَ عَلَيْهِ  
 مَعِيشَتَهُ»<sup>۲۲</sup> خیلی چیز عجیبی  
 است؛ بددهنی، فحش دادن.  
 خدای متعال برکت را از رزقش  
 می‌گیرد، او را به خودش  
 واگذار می‌کند و زندگی‌اش  
 را فاسد می‌کند. حتی نیاز به  
 جنبه‌های معنوی‌اش ندارد،  
 همین جنبه‌های ظاهری‌اش،  
 آدم‌های بددهن نه کسی با  
 آن‌ها معامله می‌کند، نه کسی

۲۱ ثواب الأعمال : ۳۳۷ / ۱

۲۲ همان

۲۰ الفردوس : ۲ / ۷۳ / ۲۴۱۳

### ۱۳. رعایت نگهداری از برخی جانداران در خانه

یک جمله جالبی هم در روایات هست این هم جالب است؛ پیامبر عزیزمان رفته بودند منزل عمه جانشان، گفتند برای او سفره انداخت، حضرت فرمودند در خانه‌ات برکت نیست. تعجب کرد گفت آقا جان ما سفره انداختیم، مثلاً نان گذاشتیم، غذا گذاشتیم. حضرت فرمودند نه، منظورم گوسفند است. جالب است؛ ما چند روایت مکرر داریم که برکت در آن مساوی با گوسفند است. گوسفند خیلی خاص است، مساوی است با برکت. همه چیزش ظاهراً مفید است، هیچ دورریز ندارد. و بعد نماء دارد، با این که زایش او کم است ولی دیدید چقدر برکت می‌کند. ان شاء الله خدا زیاد کند.

با آنها وصلت می‌کند، منزوی می‌شوند، همه از آنها حالشان به هم می‌خورد، یعنی برکت از زندگی‌اش می‌رود.

### ۱۲. ابتلاء به حرام

خدای نخواستہ ابتلاء به حرام به یک معنای وسیع‌تر، بله. فرمودند اگر مال حرام حتی زیاد هم بشود برکت ندارد. «و إِنْ نَمَى لَا يُبَارَكُ لَهُ فِيهِ»<sup>۲۳</sup> اگر هم برود با آن مال حرام انفاق هم بکند، به دیگران هم بدهد هیچ پاداشی به او نمی‌دهند. تازه فردا باید جواب هم بدهد. «خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»<sup>۲۴</sup>.

۲۳ الکافی : ۵ / ۱۲۵ / ۷  
۲۴ آیه ۱۱ سوره مبارکه حج

حالا نمی‌شود الان به شماها گفت ولی در خانه ماها دیگر هیچ کدام برکت نیست. آن که پیغمبر می‌فرمودند نیست، مگر در این روستاها و جاهایی باشد، و الا دیگر در زندگی شهری که نمی‌شود، ولی سگ می‌شود نگره داری، گربه می‌شود نگره داری، اما گوسفند نه، نمی‌شود. یعنی برکت نیست ولی ضد برکت هست. چون سگ که هست فرشته نیست، معنویت نیست، نجاست است. حتی می‌گفتند اگر تصویر سگ هم باشد همین‌طور است. ولی نه، ما شاء الله در خانه‌ها هست، اخیراً سگ‌های گنده گنده هم می‌آورند. خیلی پیشرفت کردند، حالا آن کوچولوهایش یک جور است، این سگ‌های این مدلی هم دارند. در خانه‌ها هست که برکت‌کش است. هر چیزی جای خودش

را دارد. آن که برکت را می‌برد متأسفانه فراوان است. این هم از آن طرف آب آمده است، در حالی که در زیست روستایی ما سگ‌های نگهبان؛ نگهبان گله، نگهبان باغ، نگهبان خانه و این چیزها جایگاه خودش را داشته و خیلی هم خدای متعال مفید خلقش کرده است، اما فرض بر این بوده که این در زندگی شما نیاید، این که بیاید در زندگی مال آن طرف است. گفت آب در کشتی هلاک کشتی است، اما پشت کشتی حیاتش است. بیرون که باشد نگهبانی کند، صد جور استفاده دارد، خوب استفاده‌اش را ببرید، اما نه این که بیاید درون زندگی‌تان. چون در این هم یک خاصیت عجیبی هست، در آن دلبری که می‌کند و اُنسی که می‌گیرد و فلان و این‌ها؛ دیدید اخیراً جای

همسر و همه چیز را می‌گیرد. نامی حضرت مبارکه طیه است؛ صدیقه طاهره که نام نامی آن حضرت مبارکه است. هرچه هست به نام حضرت زهراء (سلام الله علیها) است در این عالم، هرچه که هست.

## سفره‌دار برکت در این عالم،

### محمد و آل محمد

(صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین)

## بررسی تحولات منطقه

در باره منطقه هم همان طور که آقا فرمودند الحمد لله الحمد لله الحمد لله حماس زنده است، با همه جفاها و ستم‌هایی که دارد می‌شود مقاومت فلسطین زنده است. می‌بینید که ایستادند دارند مقاومت می‌کنند، از این جهنمی‌ها تلفات می‌گیرند، آن‌ها را به جهنم می‌فرستند، ولی خب خانواده‌هایشان مظلومانه ایستادند، یک مقدار هر دو جهت عادی شده است؛ یکی جنایت‌های

بدین ترتیب «و وَفَّرَ مَلَکَتِی بِالْبَرَكَةِ فِیْهِ» از خدای متعال می‌خواهیم در دارایی‌های ما برکت قرار بدهد.

بنابراین سه جمله این شد «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْنَعْنِی مِنَ السَّرْفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِی مِنَ التَّلْفِ، وَوَفِّرْ مَلَکَتِی بِالْبَرَكَةِ فِیْهِ».<sup>۲۵</sup>

هرچه در این عالم برکت هست، هرچه هست؛ مادی و معنوی و ظاهری و باطنی و شناخته و ناشناخته، سفره‌دار آن محمد و آل محمد (صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین) هستند و به نام

۲۵ فرازی از دعای بیستم صحیفه مبارکه سجادیه

رژیم صهیونیستی، یکی هم آن مقاومت. مقاومت‌شان خیلی شگفت‌انگیز است. به رغم همه این هجوم سنگین و عملیات سنگین ایستادند. در لبنان حزب‌الله الحمدلله سربلند، سرافراز، مقتدر، باشکوه، حزب‌الله خیلی بحمدالله سازمانش حفظ شد، تنظیم آن حفظ شد، مبانی‌اش حفظ شد. فرماندهان‌شان هم که همه جوان شدند. این اواخر هم نشان دادند که آن قدرت‌نمایی‌شان باعث شد که این ملعونین آمدند زیر بار آتش‌بس و حالا قصه‌ای که شما در آن جا سراغ دارید.

خدمت‌تان عرض کنم در یمن که دیگر چه بگوییم، خیلی شرایطشان سخت است مخصوصاً اخیراً که دارند حمله هم می‌کنند، ولی این‌ها گفتند برای ما اصلاً مهم نیست.

تا شما در غزه دارید به این مظلومین فلسطین ستم می‌کنید ما دست از سر شما بر نمی‌داریم. شلیک‌هایشان را هم که می‌بینید، حساب شده، هدفمند می‌خورد، نقطه‌زن، یمنی‌ها خیلی فوق‌العاده هستند. ان شاء الله خدا حفظ‌شان کند و تقویت‌شان کند، حزب‌الله لبنان را حفظ کند و تقویت کند. ان شاء الله به مقاومت مظلوم فلسطین، به حماس، به جهاد هم توان بدهد، نصرت بدهد، خوب دارند مقاومت می‌کنند.

### طراحی

### آمریکایی - صهیونیستی در سوریه

سوریه باعث عبرت و درس شد، این وضعی است که جلوی چشم ما است، یعنی جایی که مقاومت نمی‌شود

دادید به رژیم صهیونیستی، پس چرا جلوی این‌ها یک تیر هم شلیک نمی‌کنید؟ معلوم می‌شود کل اتفاقی که در سوریه افتاد، در آن کلیدواژه‌ای که آقای عزیزتر از جان‌مان فرمودند. خدا آقا را حفظ کند، دیدید بیانات‌شان چقدر شافی بود. همان دو کلمه بود. فرمودند کل ماجرای که آن‌جا اتفاق افتاد طرح آمریکایی صهیونیستی بود. بعد حالا گرفتاری‌ها و هرج و مرج در این کشور. این است عاقبت کسی که مقاومت نکند. آن ارتشی که نمی‌ایستد. آن قواتی که باید می‌ایستادند، مقاومت می‌کردند، وقتی شما مقاومت نکنید هزینه کوتاه آمدن و سازش و این‌ها از مقاومت چقدر بیشتر است. آن طرف الان حزب الله است، آن طرف غزه است، اما این

چه اتفاقی در آن می‌افتد؟ این چنین می‌شود که دیدید. یک طرف را یک گروه می‌گیرند، یک طرف را گروهی دیگر می‌گیرند. از این طرف هم که صهیونیست‌ها موقعیت را این‌طور غنیمت دانستند آمدند، حالا نه فقط تمام زیرساخت‌ها را کوبیدند، از این طرف هم ملاحظه کردید که متأسفانه بخشی از خاک سوریه را هم گرفتند. آن وقت از این‌جا انسان می‌فهمد این‌هایی که سرکار هستند عوامل همین‌ها بودند. تیپ‌هایشان را عوض کردند، یک خرده قیافه‌شان را بزرگ کردند، اگر شما مال این محل هستید و اگر مسلمان هستید، اگر ادعا داشتید، ادعای وطن‌دوستی داشتید، می‌خواستید بگویید ما این‌جا را می‌خواهیم آزاد کنیم، خب شما که همه را تحویل



طرف سوریه است، واقعاً باعث عبرت شد، درس و عبرت اکنون جلوی چشم است. حالا چه اتفاقاتی آنجا بیفتد خدا می‌داند، ولی آن‌که به اذن الله به تعبیر رهبر عزیزمان و به عنایت الهی اتفاق خواهد افتاد و ممکن است طول هم بکشد تا آن اتفاق بیفتد بالاخره جوانان سوری است که ببینیم که این‌ها چه زمانی از راه خواهند رسید و کی بیدار می‌شوند و چه وقت سازماندهی می‌شوند و کی به میدان مقاومت در برابر صهیونیست‌ها بروند. آن یاروها که عددی نیستند، صهیونیست‌ها مهم است. بروند جلوی جریان صهیونیزم بایستند. این هم چند جمله راجع به این وضعیتی که هست. ان شاء الله خدای متعال به مسئولین محترم هم توفیق

بدهد بتوانند خدمت کنند، بالاخره شرایط اقتصادی هم شرایط پیچیده خودش هست، سخت است، دارند یک تلاش‌هایی هم می‌کنند، حالا تشخیص‌هایی دارند، یک جمع‌بندی‌هایی دارند. ما دعا می‌کنیم برای این‌که بتوانند خدمت کنند، خدا توفیق به آن‌ها بدهد بتوانند به این ملت شریف و عزیز و مقاوم و باصفا ان شاء الله بهترین خدمات‌ها را ارائه کنند.

«إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَ  
 بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ  
 وَ الْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ  
 وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرْضَى  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ  
 وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ  
 وَ الْكِرَمِ وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ  
 وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ  
 إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ  
 بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.»  
 «اللهم صل على محمد و آل محمد.»





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر